انترناسیونال ۴۵۲

بهروز مهرآبادی

**در جستجوی راه خروج از بن بست**

**انتخابات ۶ مه در فرانسه و یونان**

روز یکشنبه ۶ مه دو انتخابات در دو کشور اروپا انجام شد، انتخابات رئیس جمهوری در فرانسه و انتخابات قبل از موعد پارلمانی در یونان. تحلیلگران سیاسی که این دو انتخابات را تفسیر کرده اند، همگی متفق القولند که در هر دو کشور چپ دست بالا را داشته و جناح بندی های سیاسی بسیار برجسته تر و قطبی تر از سالهای قبل و انتخابات های قبلی بوده است. در هر دو کشور میزان آرای احزاب چپ بسیار بالا رفته است. در یونان میزان رای احزاب مخالف با طرح ریاضت اقتصادی که از طرف اتحادیه اروپا مطرح شده بود، اکثریت پیدا کرد. در فرانسسه نیز فرانسوا اولاند رهبر حزب سوسیالیست بطور ناگهانی به چپ گرایش پیدا کرد و خواستهایی از قبیل افزایش مالیات ثروتمندان، پائین آوردن سن بازنشستگی و استخدام های جدید در بخش های خدمات دولتی را مطرح نمود. امری که بدون تردید عامل اصلی در برنده شدن او می توان به حساب آورد.

آقای اولاند خواب نما نشده است و در یکی دو سال اخیر هم تغییر عمده ای در رهبری و مواضع حزب ایشان بوجود نیامده است. بسیاری از شعار های انتخاباتی آقای اولاند را نمی توان راه برون رفت از بحران عمیق اقتصادی دانست که فرانسه همانند سایر کشورهای اروپایی با آن دست به گریبان است. شعارهای حزب سوسیالیست مورد تائید بخشی از نیروهای محافظه کار و راست فرانسه نیز قرار گرفت. این نیروها در دور دوم انتخابات اعلام کردند که به اولاند رای خواهند داد. بخش عمده سرمایه داری فرانسه با وجود اختلافات درونی بر سر انحام عقب نشینی های کوچکی به توافق رسیدند. اما این عقب نشینی ها و شعارهای حزب سوسیالیست با خواست های واقعی مردم فرسنگها فاصله دارد و حتی خوشبین ترین طرفداران آقای اولاند در مورد عملی شدن همین مقدار قول های انتخاباتی او نیز اظهار تردید می کنند.

پیروزی حزب فرانسوا اولاند نشان دهنده بن بست سرمایه داری فرانسه و مهمتر از آن نگرانی از ادامه اوج گرفتن اعتراضات در خیابانهای پاریس و سایر شهرهای فرانسه است. انتخابات فرانسه تحت تاثیر شبحی بود که این بار نه فقط در اروپا بلکه در سراسر جهان سایه افکنده است: از میدان التحریر قاهره تا خیابان های تهران و کوچه پس کوچه های پاریس، در میادین لندن و در لابلای آسمانخراش های نیویورک. شبح ۹۹ درصدی ها! شهرهای فرانسه در سالهای اخیر شاهد اعتراضات خیابانی گسترده ای بوده اند که در مواردی کنترل بعضی از مناطق شهری از اختیار نیروهای دولتی خارج شد. بورژوازی فرانسه امید دارد با کمی عقب نشینی بتواند مانع از سر بلند کردن این اعتراضات شود. فرانسه جزیره دور افتاده ای در اقیانوس سرمایه داری نیست که بتواند خارج از نفوذ سیاست های بانک جهانی و صندوق جهانی پول و اتحادیه اروپا، به دوران سپری شده لیبرالیسم بازگردد. شعارهای حزب سوسیالیست فرانسه بدون شک تحت فشار جنبش ۹۹ درصدی ها در فرانسه و حتی در سایر مناطق جهان و باز کردن یک سوپاپ اطمینان برای جلوگیری از انفجار های اجتماعی است. در حالی که احزاب چپ فرانسه افقی خارج از چهار چوب های سرمایه داری در مقابل جامعه نمی گذارند، این سیاست شاید بتواند برای مدتی اعتراضات مردم را کاهش دهد اما به جرئت می توان گفت که این دوران کوتاهتر از دوران ریاست جمهوری آقای اولاند خواهد بود.

بن بست سرمایه داری در یونان آشکارا خود را نشان می دهد. دو حزب عمده ای که بطور سنتی قدرت دولتی را در دست داشته اند، حتی در ائتلاف با یکدیگر نتوانستند دولت تشکیل دهند. حزب ائتلاف چپ هم از تشکیل دولت اظهار عجز کرد و احتمالا کار به برگزاری انتخابا ت مجدد خواهد انجامید. بحران یونان عمیق تر از آن است که احزاب موجود بتوانند راه حلی برای آن ارائه کنند. راه حل های این احزاب گذشته از هر اختلافی، یک وجه مشترک دارند، که دیگر کارآئی ندارند. همه احزاب از راست تا چپ تلاش می کنند تا در میدان سرمایه داری بازی کنند و بر اساس قواعد آن رفتار کنند. دولت آتی یونان چه پاکت اقتصادی اتحادیه اروپا را مورد تائید قرار دهد و یا آنرا رد کند، چه در اتحادیه اروپا باقی بماند و یا از آن خارج شود، نمی تواند چیزی جز بدهی بیشتر، فقر و فلاکت بیشتر به مردم این کشور بدهد. کارشناسان مختلف اقتصادی در تحلیل های خود و در بررسی راه حال های مختلف چشم انداز دیگری برای یونان نمی بینند. اما آنچه که همه این کارشناسان و سیاستمداران آگاهانه و عامدانه در باره آن سکوت می کنند و حتی در مقابل آن می ایستند، افقی است که بیش از یک قرن و نیم پیش توسط مارکس در مقابل جهان قرار داد. افق سوسیالیسم! راهی که بطور واقعی در مقابل جامعه یونان و بسیاری از کشورهای دنیا قرار گرفته است.

سوسیالیسم یا بربریت!